

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جدول ۱: معانی پر کاربرد ابواب مشهور ثلاثی مزید

*	معنای باب	إفعال (۱)	تفعیل (۲و۱)	مفاعله (۳)	اقتعال (۴)	تفاعل (۳)	تفعّل (۷)	استفعال (۹)	انفعال (۷) و افعال
۱	تعديه (متعدی کردن ثلاثی مجرد)	ذَهَبَ: رَفَتْ ﴿أَذْهَبَ: روانه کرد	فَرِحَ ﴿ فَرِحَ	بَعُدَ ﴿ بَعُدَ					
۲	تکثیر در	فعل	طَوَّفَ: زیاد طواف کرد	نَاعَمَهُ اللَّهُ: نعمتش را زیاد کرد					
		فاعل	مَوَّتَ الْأَيْلُ: شترهای زیادی مردند						
		مفعول	﴿عَلَّقَتِ الْأَبْوَابُ﴾: درهای زیادی را بست						
۳	مشارکت		ضارَبَ زَيْدٌ بَكَرًا	اِخْتَصَمَ زَيْدٌ وَبَكَرٌ	تَضَارَبَ زَيْدٌ وَبَكَرٌ				
۴	معنای ثلاثی مجرد (با تأکید و مبالغه)	أَقَالَ ﴿ قَالَ: معامله را بهم زد)	فَرَطَ ﴿ فَرَطَ: کوتاهی کرد)	جَاهَدَ ﴿ جَهَدَ)	اِكْتَسَبَ ﴿ كَسَبَ)	تَعَالَى اللَّهُ ﴿ عَلَا)	تَبَسَّمَ ﴿ بَسَمَ)	اسْتَقَرَّ ﴿ قَرَّ)	
۵	صیوروت	دارای مبدأ فعل شدنِ فاعل	أَثْرَى: دارای ثروت شد	عَجَزَتِ الْمَرْأَةُ: زن عجوزه (پیر) شد			تَأَيَّمَتِ الْمَرْأَةُ: زن، آیم (بی همسر) شد	اسْتَحْجَرَ الطَّيْنَ: گل، حَجَر (سنگ) شد	اسْوَدَّ اللَّيْلُ: شب تاریک شد
		دارای مبدأ فعل کردنِ مفعول	أُرْكِبَهُ: او را دارای مرکب کرد	عَافَاهُ اللَّهُ ﴿ عَافِيَهُ)					
۶	سلب مبدأ فعل از	فاعل	أَفْلَسَ: فُلَس (پول) خود را از دست داد						
		مفعول	أَعْجَمَ الْكِتَابَ ﴿ عَجَمَهُ)	جَلَدَ الشَّاةَ ﴿ جَلَد)					
۷	مطالعه / اثرپذیری (عکس معنای تعدیه)	مطالعه ثلاثی مجرد	كَبَّهٗ فَأَكَبَ: واژگون شد	جَمَعَ النَّاسَ فَأَجْتَمَعُوا				قَسَمَهُ فَأَنْقَسَمَ	
		مطالعه باب إفعال		أَبْعَدَهُ فَأَبْتَعَدَ				أَرَاخَهُ فَأَسْتَرَاخَ	أَغْلَقَهُ فَأَنْغَلَقَ
		مطالعه باب تفعیل		قَرِبَهُ فَأَقْتَرَبَ				أَدْبَتَهُ فَتَادَبَ	
		مطالعه باب مفاعله		بَاعَدَهُ فَتَبَاعَدَ					
۸	اتخاذ (تهیه کردن مبدأ فعل)			اِحْتَطَبَ: حَطَب تهیه کرد			تَوَسَّدَهُ ﴿ وَسَادَ)	اسْتَوَقَدَ ﴿ وَقُودَ)	
۹	طلب (خواستن مبدأ فعل)			اِكْتَدَهُ ﴿ كَدَ: کوشش)			تَعَجَّلَ الشَّيْءَ ﴿ عَجَلَهُ)	اسْتَعْفَرَهُ ﴿ غَفْرَانَ)	
۱۰	تکلف	به زحمت کاری کردن		تَبَاكَى ﴿ بُكَاءَ)			تَكَفَّلَ ﴿ كَفَالَهُ)		
		به زحمت صفتی نشان دادن					تَشَجَّعَ ﴿ شَجَاعَهُ)	اسْتَكْبَرَ ﴿ كِبَرَ)	
۱۱	مفعول را دارای صفتی یافتن	أَعْظَمَهُ: او را با عظمت یافت						اسْتَعْظَمَهُ	

جدول ۲: معانی کم کاربرد ابواب مشهور ثلاثی مزید

*	معنای باب	افعال	تفعیل	تفعّل	تفاعل	افعال	افعیلال
۱۲	داخل شدنِ فاعل	در زمان	أَصْبَحَ: داخل صبح شد				
		در مکان	أَصْحَرَ: داخل صحرا شد				
۱۳	رسیدن وقتِ ماده فعل برای فاعل		أَحْصَدَ: وقت حَصَاد (درو) رسید				
۱۴	ضد معنای ثلاثی مجرد		فَرَطَ: کوتاهی کرد				
			أَفْرَطَ: زیاده روی کرد				
۱۵	تعریض (در معرض قرار دادن)		أَبَاعَ: در معرض فروش گذاشت				
۱۶	به سوی مکانی رفتن		شَرَّقَ: سوی شرق رفت				
		به مکانی رسیدن		بَصَّرَ: به بصره رسید			
۱۷	نسبت دادن مبدأ فعل به مفعول		كَفَّرَهُ: او را کافر شمرد				
۱۸	ابدع و ایجاد		صَوَّرَهُ: برایش صورت ایجاد کرد				
۱۹	تَجَنَّب (دوری کردن فاعل از مبدأ فعل)		تَأَنَّمَ:				
			از اِثْم (گناه) دوری کرد				
			تَظَلَّمَ: از ظلم شکایت کرد				
۲۰	شکایت		تَفَهَّمُ: اندک اندک فهمید				
۲۱	تدریج						
۲۲	تأکید و مبالغه		أَحْمَرَ: بسیار سرخ شد				
۲۳	تدریج و مبالغه		أَحْمَارٌ: تدریجاً بسیار سرخ شد				
۲۴	تظاهر و تشبیه		تَمَارَضَ: خود را مریض نشان داد				
			تَسَاقَطَ: پی در پی سقوط کرد				
۲۵	تکرار						

**نکته ۱:** عددی که در مقابل هر باب آمده، بیانگر معنای غالبی همان باب است. مثلاً: «افعال (۱)» یعنی معنای غالبی باب افعال، «تعدیه» است. همان معنا در داخل جدول هم با زمینه خاکستری مشخص شده است.

**نکته ۲:** منظور از «ماده فعل» یا «مبدأ فعل» چیزی است که فعل نهایتاً از آن گرفته شده است که در برخی موارد مصدر است، و گاه اسم جامد غیر مصدر و گاه غیر اینها. بحث مفصل آن در صفحه ۱۸۹ به بعد کتاب آمده است (پاورقی ص ۱۵۸).

**نکته ۳:** تفاوت معنای مشارکت در سه باب مفاعله، افتعال و تفاعل: در باب مفاعله یکی از طرفین، فاعل و مرفوع است و دیگری مفعول به و منصوب؛ مانند "ضارب زید بکراً". اما در دو باب دیگر هر دو مرفوع و معطوفند یا یک اسم صاحب افراد، فاعل قرار می گیرد؛ مانند "تضارب زید و بکر"، "اختصم الرجلان" و "تضارب القوم".

**نکته ۴:** صرف ساده «استحجر الطین» را در معنای «تحول» آورده، حال آنکه فرقی میان «تحول» و «صیروت» دیده نشد، لذا در همان معنای صیروت آمد. الوسیط: استحجر الطین؛ صار حجراً. (لغت نامه در معنای «صیروت»، غالباً از «صار» یا «جعل» استفاده می کند). تصاریف (شرح صرف ساده) هم تصریح کرده که تحول در اینجا همان صیروت است.

**نکته ۵:** دو باب افعال و افعیلال، غالباً در مورد رنگ ها و عیب های ظاهری به کار می روند.